شهرآرا محله ۳ و ۴

ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا
شماره روزنامه ۳۹۵۱
یک شنبه | ۷ خرداد ۱۴۰۲
شماره ضمیمه محله ۵۲۴
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از
shahraranews.ir

Mashhadchehreh.ir
@Mashhad.Chehreh

راه‌آهن مشهد به خاطرات بی‌شمار زائران و خدمتگزاران گره‌خورده است

وصال و فراق در ایستگاه هشتم

۵۲۴

عکس: مهدیه غوریان/شهرآرا

۶

رفاقت امام جماعت مسجد فاطمه‌الزهرا(س) با نوجوانان، به محله رونق داده است

نذر فرهنگی روحانی «خطیب»

۲

اصلاح هندسی در طرح تفصیلی جدید

۷

«نسیم کرامت» در تلگرد

منطقه ۳

فرار از ترافیك بولوار بهمن با ورود پرخطر به بولوار موسوی بایگی

اصلاح هندسی در طرح تفصیلی جدید

جلائیان| بسیاری از اهالی بولوار بهمن که در معابر سمت زوج خیابان سکونت دارند، برای فرار از ترافیک این بولوار با عبور از کوچه پس کوچه‌های کم‌عرض و تودرتو، خود را به صدمتری می‌رسانند؛ مسیری که به گفته جوانان این محله، راه مخفی اهالی محله بهمن است و تنها باید ساکن این محدوده باشی که بتوانی از معابر خیابان شهید شکری، راه را به سمت انتهای کوچه شهید شکری ۱۰ پیدا کنی و در گام آخر دومینوی رسیدن به صدمتری، از میان جدول‌ها و جوی‌های آب‌های سطحی حاشیه بولوار موسوی بایگی گذر کنی و وارد این معبر شوی؛ آن هم در شرایطی که خودروهایی که از سمت بولوار خواجه ربیع به سمت خیابان موسوی بایگی می‌آیند، دید و اشراف کمی به این وسایل نقلیه دارند. همین موضوع منجر به بروز تصادفات، شکل‌گیری ترافیک و درگیری بین رانندگان می‌شود.

حل مشکل با یك مسیر خروجی

حسین فضائلی، یکی از اهالی محله بهمن، درباره این مسیر می‌گوید: از پنج سال پیش که در محله بهمن ساکن شده‌ام، دیده‌ام که بسیاری از اهالی ترجیح می‌دهند از این مسیر که تا حدود دو سال پیش، حتی همین راه باریک آسفالت را نداشت، عبور کنند تا در ترافیک بولوار بهمن گرفتار نشوند. سال گذشته پس از مسدود کردن دوربرگردان بولوار بهمن، وقتی شهروندان مجبور شدند برای تغییر مسیر به سمت خیابان‌های زوج تا ابتدای جاده کلات بروند، تعداد خودروهایی که از خیابان شهید شکری تردد می‌کنند، چندبرابر شد؛ به‌طوری که هم‌زمان شاهدیم چند خودرو قصد ورود به آن یا خروج از آن را دارند. این موضوع باعث مشکلاتی شده است که شهرداری به سادگی می‌تواند آن‌ها را برطرف کند؛ برای نمونه، یک راه ورودی و یک راه خروجی در محل اتصال خیابان‌های شهید شکری و موسوی بایگی ایجاد کند، انتهای این دو خیابان را همسان‌سازی کند تا دید خودروها به طرف مقابل بیشتر شود.

خودروهای فراوان در مسیر باریك

رئیس شورای اجتماعی محله بهمن درباره این مسیر پرتردد می‌گوید: زمانی که شهرداری بولوار موسوی بایگی را احداث می‌کرد، بنا به درخواست اهالی محله بهمن، در انتهای خیابان شکری با فاصله انداختن بین جدول کشی، یک مسیر دسترسی به اندازه تردد یک خودرو باقی گذاشت. این روزها صدها خودرو برای معطل نشدن در ترافیک همیشگی بولوار بهمن و به مقصد خیابان‌های شهید شکری، درخشان، فتحی، بیگی و معابر فرعی و متعدد بهمن ۴ از این مسیر عبور می‌کنند.

خضری ادامه می‌دهد: این مسیر برای ما بسیار اهمیت دارد؛ زیرا در همین شرایط هم از ترافیک بولوار بهمن کم کرده است. با ایجاد مسیر مجزا برای ورود و خروج و اصلاح هندسی می‌توان ضمن امنیت بخشیدن به تردد در این مسیر، از ترافیک بولوار بهمن هم کم کرد. ضمن اینکه این مسیر برای اهالی محله بهمن بسیار حائز اهمیت است؛ چون به جز خودروهای شخصی، خودروهای امدادرسان هم از آن تردد می‌کنند.

در انتظار دریافت طرح از مشاور

سیدهادی صالحی، رئیس اداره فنی عمران و ترافیک شهرداری منطقه ۳، درباره دسترسی خیابان شکری به بولوار موسوی بایگی می‌گوید: در طرح تفصیلی قدیم، برای این محدوده دسترسی در نظر گرفته نشده بود، اما در طرح تفصیلی جدید، این نگاه تغییر کرده و مسیر دسترسی از خیابان شکری به موسوی بایگی در نظر گرفته شده است. در همین راستا ما از سازمان ترافیک شهرداری مشهد برای اصلاح هندسی و ایجاد ورودی و خروجی مجزا درخواست طرح کرده‌ایم و به محض دریافت طرح از سوی مشاور، تلاش خواهیم کرد امسال گره این مشکل را باز کنیم.

#معبر_خطرناک #محله_بهمن

منطقه ۴

سرگردانی در کوچه‌های حاشیه شهر به‌دلیل پلاك نداشتن منازل ادامه دارد

ببخشید؛ این نشانی کجاست؟

زهرا اسحاقی| تجربه تلخ سرگردانی در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر برای یافتن یک نشانی به ظاهر ساده، چیزی است که بسیاری از ما طعم ناخوشایند آن را چشیده‌ایم. پیاده یا سواره، تفاوتی ندارد. مشکل این است که تو بارها طول و عرض یک خیابان را بالا و پایین کنی، اما پلاک مورد نظر را پیدا نکنی و اگر در آن محله غریب هم باشی، اوضاع بدتر می‌شود. خیابان‌ها و کوچه‌های شهر امروز آن‌قدر متعدد شده‌اند که بدون داشتن یک نشانی دقیق، پیدا کردن مقصد سخت است. اهالی برخی محله‌ها مانند پنج تن والتیمور و طبرسی شمالی از پلاک نداشتن منازلشان گلایه دارند. یکی از معضلات ساخت‌وسازهای غیرمجاز، بروز همین مشکل است که به راحتی حل‌شدنی نیست.

خانه‌ها تقسیم شدند، پلاك‌ها نه

مریم احمدی، از ساکنان محله التیمور، از سختی‌های زندگی در بافت غیراستاندارد شهری می‌گوید که یکی از آن‌ها بدون پلاک بودن منازل است. او که چهل سال است در این محله سکونت دارد، تعریف می‌کند: در گذشته، این محدوده خارج از شهر محسوب می‌شد و هرکس، هرجا دوست داشت، زمینی تهیه می‌کرد و خانه می‌ساخت؛ به همین دلیل معابر اینجا تودرتو هستند و در برخی از آن‌ها، خانه‌ها کامل پلاک گذاری نشده است. برخی از کوچه‌ها نیز ابتدا و انتهایش پلاک دارد و خانه‌های میانی بی‌پلاک هستند.

خدیجه مروی، از ساکنان محله پنج تن، می‌گوید: خانه ما حدود پنج شش سال پلاک نداشت و در آن مدت مشکل داشتیم؛ محصولات پستی‌مان اغلب به درِ منزل همسایه‌ها می‌رفت یا اصلا به دستمان نمی‌رسید و مجبور بودیم کلی پیگیری کنیم. در یک سال اخیر که محصولات براساس کد پستی ارسال می‌شود، این مشکل کمتر شده است.

او ادامه می‌دهد: البته بعد از پلاک گذاری هم مشکلات ادامه دارد؛ الان شماره حدسی پلاک ما ۱۰ است و با آنچه تحویل ما شده است، مغایرت دارد و در حال پیگیری این موضوع هستیم.

نماینده کسبه در شورای اجتماعی محله پنج تن توضیح می‌دهد: یکی از دلایل پلاک نداشتن برخی از منازل، تقسیم شدن خانه‌ها و زمین‌ها به زمین‌های کوچک‌تر است، به‌طوری که مثلا از یک زمین دویست و پنجاه متری دو باب منزل ساخته شده است. محمدحسین اسماعیلی ادامه می‌دهد: در سه چهار سال اخیر با پیگیری‌های مردمی، اغلب منازل پلاک گذاری شده است؛ با این حال هنوز برخی منازل در کوچه‌ها پلاک ندارند و این موضوع نشانی دادن را سخت می‌کند.

معاون فرهنگی و اجتماعی منطقه ۴ شهرداری مشهد که یکی از متولیان پیگیری این موضوع است، می‌گوید: نزدیک به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار برای خرید پلاک جذب شده است تا این مشکل که در بافت حاشیه‌ای پررنگ‌تر است، حل‌وفصل شود.

صادق خاتونی ادامه می‌دهد: در سال گذشته، ۸ هزار و ۵۹۷ پلاک خریداری و برای نصب تحویل اداره نام گذاری معابر شد و بسیاری از منازل در طبرسی شمالی، خیابان پنج تن ۵۵ تا ۹۳ و پنج تن ۲ تا ۸۰ و همچنین خیابان‌های شهید حسینی محراب، افسر شمالی و محصل شمالی و صادقیه مجهز به پلاک شدند؛ با این حال هنوز برخی از منازل در فرعی‌های پنج تن ۵۱، پنج تن ۵۵ و محصل شمالی و طبرسی شمالی بدون پلاک هستند که تلاش می‌کنیم مشکل آن‌ها هم برطرف شود.

مشخص شدن ملك‌های تفکیك شده

رئیس اداره نام گذاری معابر و تابلونویسی از پیگیری برای مشخص شدن طرح تفصیلی خبر می‌دهد. ناهید فربدنیا می‌گوید: به‌دنبال اجرای این طرح از سوی شهرداری منطقه هستیم تا با تعیین ملک‌های تفکیک شده و مشخص شدن کاربری زمین‌ها، پلاک گذاری کنیم؛ زیرا ترتیب پلاک‌ها باید رعایت شود.

#پلاک_گذاری #حاشیه_شهر

منطقه ۳

شهردار، میهمان خانه شهید

به مناسبت سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر، شهردار مشهد به دیدار خانواده شهیدان حقیقی بیرم‌آباد، ساکن منطقه ۳، رفت. در این دیدار که جمعی از مدیران شهری نیز حضور داشتند، محمدرضا قلندرشریف با مادر شهیدان علی و محمد حقیقی گفت‌وگو کرد. خادمان بارگاه رضوی نیز با پرچم گنبد منور، فضای خانه را معطر کردند.

ایستگاه ویژه در بوستان بهار

غرفه پسماند با یک برنامه آموزشی در بوستان بهار میزبان شهروندان است. این ایستگاه در زمینه آموزش تفکیک زباله از منزل و خشک کردن پسماندهای تر و مواد آلی به شهروندان آموزش می‌دهد. این غرفه آموزشی می‌تواند در اشاعه فرهنگ تفکیک از مبدأ مؤثر باشد. سازمان مدیریت پسماند در تلاش است این فرهنگ در مردم نهادینه شود.

قلع بنا در منطقه ۳

در دو ماهه نخست سال جاری، ۴ هزار متر مربع قلع بنا و برش اسکلت در منطقه ۳ شهرداری مشهد انجام شد. این بناها که با تفکیک و تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی در حال ساخت‌وساز بود، با دستور مقام قضایی تخریب شد. رفع خطر ساختمان‌های مشرف به معابر عمومی که فرسوده هستند و احتمال سقوط یا ریزش آوار دارند، از وظایف شهرداری است.

کلاس سرود ویژه دختران

کارگروه سرود فرهنگ‌سرای رسالت، دوره دوم کلاس‌های آموزشی خود را برای دختران محور جاده سیمان برگزار می‌کند. با استعدادیابی و سطح‌بندی شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها آن‌ها می‌توانند در دوره‌های مبتدی تا پیشرفته آموزش ببینند. این گروه هنری در جشنواره‌ها و برنامه‌های شهری به اجرا خواهند پرداخت.

منطقه ۴

بازار فروش در مساجد

جلسه شورای اجتماعی محله طلاب با مصوبه راه‌اندازی بازارچه محلی ویژه بانوان سرپرست خانوار به پایان رسید. با توجه به دغدغه نمایندگان این شورا برای بهبود اوضاع اقتصادی خانواده‌ها، طرح چرخشی بازارچه محلی در مساجد برای فروش محصولات مطرح شد که رأی تایید گرفت؛ علاوه بر این قرار شد از ظرفیت مساجد برای دوره‌های مهارت‌آموزی دانش‌آموزان استفاده شود.

مصوبه حیات‌بخش

مصوبه شورای اجتماعی میثم با اهدای خون در دهه کرامت اجرایی شد. پویش اهدای خون از سوی نمایندگان شورای اجتماعی این محله سال‌هاست اجرا می‌شود. با توجه به کمبود ذخایر خونی و نیاز بیماران، این برنامه پنجشنبه گذشته و در دهه کرامت برگزار شد و شهرداری منطقه ۴ میزبان شهروندان و هم‌محله‌ای‌ها بود.

اجرای پروژه در «نبوت»

نهضت پیاده‌روسازی در منطقه ۴ شهرداری مشهد همچنان ادامه دارد. بهسازی پیاده‌رو یکی از مطالبات همیشگی مردم است و در حال حاضر پروژه پیاده‌روسازی خیابان نبوت در حال اجراست.

از ابتدای سال ۱۴۰۱ تاکنون، ۳۲ میلیارد تومان هزینه پیاده‌روسازی در خیابان‌های شهید حسینی محراب، میثم شمالی، وحید و پنج‌تن شده است.

نذر شیرینی در «انقلاب»

دوره شیرینی‌پزی ویژه دهه کرامت در فرهنگ‌سرای انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها که بخشی از آموزش‌های آن به رایگان ارائه می‌شود، نذر کرده‌اند که حاصل دسترنج خود را بین خانواده‌های نیازمند توزیع کنند. دوره‌های آموزشی ویژه پخت انواع شیرینی تر و خشک از برنامه‌های پرطرفدار این مجموعه است.

بوستان منطقه ۳ میزبان رقابت گل کوچک بچه‌های مسجد است

۵ رقابت در هر شب بهار

جلائیان | شهرداری منطقه ۳ به مناسبت دهه کرامت، یک دوره مسابقات ورزشی با عنوان مسابقات گل کوچک بچه‌های مسجد برگزار کرده است. این مسابقات با استقبال شهروندان روبه‌رو شده و روزهای متفاوتی را برای علاقه‌مندان به ورزش رقم زده است. رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۳ در این باره می‌گوید: این رقابت‌ها در زمینی اختصاصی که برای برگزاری مسابقات گل کوچک در بوستان بهار تجهیز شده است، برگزار می‌شود. ۲۱۸ تیم در پنج رده سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان، بزرگ‌سالان و پیشکسوتان در این رقابت‌ها حضور دارند و داورانی از هیئت فوتبال استان آن را مدیریت می‌کنند.

سیددانیال نظری ادامه می‌دهد: مسابقات گل کوچک برای اولین بار است که در مشهد برگزار می‌شود و شاید به همین دلیل است که شاهد استقبال خوب علاقه‌مندان به فوتبال و دیگر تیم‌های ورزشی از آن بوده‌ایم.

او یادآور می‌شود: بیشترین تیم‌های شرکت‌کننده از محلات طبرسی شمالی، خواجه ربیع و بهمن هستند و محلات مهرگان و راه‌آهن کمتر استقبال کرده‌اند. امیدواریم این مسابقات استمرار داشته باشد و در دوره‌های بعد، شاهد مشارکت همه محلات باشیم.

رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه ۳ از دستاوردهای نشاط‌آور این مسابقات یاد می‌کند و می‌گوید: علاوه بر شرکت‌کنندگان، هرشب شاهد حضور تماشاگرانی هستیم که نمی‌خواهند این مسابقات را از دست بدهند و برای همراهی تیم‌های مورد علاقه خود به بوستان بهار می‌آیند و آن‌ها را تشویق می‌کنند؛ در هرکدام از پنج رقابتی که هر شب برگزار می‌شود، شاهد حضور دست‌کم دویست تماشاگر برای هر بازی هستیم و تعداد تماشاگران تا آخرین بازی در مجموع به هزار نفر می‌رسد. ارتقای روحیه شادی و نشاط، ایجاد رقابتی دوستانه و صمیمانه از اهداف برگزاری این مسابقات است.

منطقه ۳

در نشست نمایندگان شورای اجتماعی محله کوی مهدی با مسئولان سازمان بازآفرینی مطرح شد

ساماندهی بازار عقیق‌تراش‌ها

در نشست مشترکی که به همت شورای اجتماعی محله کوی مهدی با مدیر و مسئولان سازمان بازآفرینی و رئیس شوراهای اجتماعی محلات مشهد برگزار شد، نمایندگان شورای اجتماعی، مشکلات محله خود را مطرح کردند.

در این جلسه، رئیس شورای اجتماعی محله کوی مهدی، موضوع زمین‌های رهاشده را که اخیرا ناهنجاری‌های بسیاری در آن رخ داده و اهالی را نگران کرده است، مطرح کرد. مریم نوروزی گفت: حتی چند فقره قتل در این زمین‌ها رخ داده و موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

دیگر اعضا از فعالیت عقیق‌تراشان در محله که ظرفیتی ویژه است و این محدوده را از دیگر محلات متمایز می‌کند، یاد کردند و خواستار احداث بازارچه‌ای برای آن‌ها در محله شدند تا هم این صنف ساماندهی شوند و هم شرایط کارآفرینی برای دیگران مهیا شود.

در ادامه نشست، درخواست مکتوب ساماندهی بازارچه عقیق‌تراش‌ها که به امضای ساکنان محله رسیده بود، به مسئولان سازمان بازآفرینی داده شد. در این جلسه، موضوعات دیگری نظیر احداث فرهنگ‌سرا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی نیز مطرح شد، اما مسئولان ترجیح دادند در درجه اول به موضوع زمین‌های رهاشده و امنیت آن‌ها بپردازند. علی رضازاده، مدیرعامل سازمان بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد، نیز برای پیگیری این موضوع و راه‌اندازی بازارچه عقیق‌تراش‌ها قول همکاری داد. این نشست، دو میهمان ویژه از ساکنان قدیمی محله داشت که هرچند حالا محل سکونتشان تغییر کرده است، آماده همراهی با اهالی هستند. استاد محمدتقی ابراهیم‌نیا، عضو انجمن خوش‌نویسان ایران، اعلام آمادگی کرد که برای ساکنان خوش‌ذوق و هنرمند محله کلاس خوش‌نویسی برگزار کند. در ادامه نشست از کتاب «عروس پاییز» غلامحسین غلام‌نیا، دیگر ساکن قدیمی محله، رونمایی شد. موضوع این کتاب، آزادسازی خرمشهر است.

منطقه ۴

منطقه ۳

راه‌آهن مشهد به خاطرات بی‌شمار زائران و خدمتگزاران گره‌خورده است

وصال و فراق در ایستگاه هشتم

سعید جلائیان | همه می‌دانند که خادمان، کسبه و هتلداران، چه نقش پررنگ و اثربخشی در میزبانی از زائران دارند، اما برخی از مشاغل هم هستند که باوجود داشتن ارتباط تنگاتنگ با زائر، چندان دیده نمی‌شوند یا اهمیت کارشان زیاد مشهود نیست؛ به‌ویژه مشاغلی که در ورودی و خروجی شهرها فعالیت دارند. راه‌آهن یکی از همین عرصه‌هاست که اولین تصویر و آخرین تصویر از این شهر و مردمش را در ذهن زائران ثبت می‌کند. باربرانی که در این حوزه خدمت می‌کنند، بار را از روی دوش مسافران خسته‌ای که ساعت‌ها در مسیر مشهد بوده‌اند، برمی‌دارند یا به زائرانی که قصد خروج از شهر را دارند، کمک می‌کنند. رانندگان تاکسی راه‌آهن هم از این دسته افرادند و روزانه، هزاران زائر را به محل اقامتشان می‌رسانند و از محل اقامت به راه‌آهن بازمی‌گردانند. راه‌آهن مشهد، این روزها میزبان زائران بسیاری است که در دهه کرامت به پابوسی امام مهربانی‌ها آمده‌اند. برای شنیدن از خاطرات و حال و هوای این روزهای کاری باربران، کنارشان نشستیم و با هم گفت‌وگو کردیم.

نباید زائری مشهد را ناراحت ترک کند

باربرها چمدان و وسایل زائران تازه‌رسیده از سفر را با چرخ‌دستی تا ایستگاه تاکسی‌رانی و مسیر برعکس حمل می‌کنند، اما در هیاهوی رفت‌وآمدها و بروبیاها کسی متوجه آن‌ها نیست. شاید اندوخته مالی و شغل پردرآمدی نداشته باشند، اما قلب آن‌ها هم مثل همه مشهدی‌ها پر از عشق امام رضا(ع) است و یکی از قشنگ‌ترین نذرهای آن‌ها این است که به زائران امام هشتم(ع) خدمت کنند.

علی عابدین‌زاده، یکی از باربران باتجربه در راه‌آهن است که کارش را خیلی دوست دارد. خستگی کار در گرمای تابستان و سرمای زمستان را خدمت به زائران می‌گیرد.

او می‌گوید: بارها برای من و همکارانم پیش آمده است که با زائرانی روبه‌رو شده‌ایم که پول آن‌ها سرقت شده و گفته‌اند پولی برای برگشتن به شهرشان ندارند. اصلا فرقی نمی‌کند کدام یک از همکاران باشد؛ سعی می‌کنیم هیچ زائری مشهد را ناراحت ترک نکند. علاوه بر این بارها پیش آمده است که با مسافر میان‌سال یا سالمندی برخورد کرده‌ایم که نه توان حمل بارش را داشته است و نه پولی برای باربر. در این شرایط هم همکارانم قبض حمل بار تهیه می‌کنند و بار زائران را تا قطار می‌برند.

علی‌آقا ادامه می‌دهد: یک بار خانم سالمندی را دیدم که می‌گفت کیف پولش را دزدیده‌اند و فقط یک بلیت برگشت داشت. خودم یک قبض حمل بار برایش گرفتم و بار او را تا قطار بردم. کمی هم پول برای کرایه‌اش در تهران دادم. پس از خالی کردن چمدان‌هایش، شماره من را گرفت و سوار قطار شد. بلافاصله بعد از رفتن این خانم، یک قطار رسید و من مسئول انتقال چمدان‌های یک خانواده تا ایستگاه تاکسی‌ها شدم. این خانواده اگرچه وسایل زیادی نداشتند، پس از رساندن بارشان به تاکسی، چندین برابر پولی که من به آن خانم داده بودم، انعام دادند. از این اتفاق حدود یک سال گذشت و من ماجرا را فراموش کرده بودم تا اینکه چند هفته پیش، گوشی‌ام زنگ خورد. وقتی تلفنم را جواب دادم، خانمی خودش را معرفی کرد و گفت «علی‌آقا! من همان مسافری هستم که سال گذشته در راه‌آهن کمکم کردی؛ دوباره به مشهد برگشته‌ام و می‌خواهم تو را ببینم.» وقتی به دیدن آن خانم رفتم، دیدم با پسرش منتظر من ایستاده‌اند و هدیه‌ای به من دادند که واقعا حالم را خوب کرد. می‌دانید آن هدیه گرچه ارزش مادی هم داشت، قدردان بودن مسافران حرم امام رضا(ع) برایم ارزشمند بود و خوشحالم کرد.

رفاقت‌هایی که از ایستگاه شروع می‌شود

مسیری که باربران با زائران همراهی می‌کنند، هرچند چندان طولانی نیست، پایه شکل گرفتن رفاقت‌های بسیاری است. تقریبا همه آن‌ها برای خود دوستانی از دیگر شهرهای ایران دارند.

محمود امام‌وردی یکی دیگر از باربران قدیمی راه‌آهن است که تعریف می‌کند: کار ما خدمت‌رسانی به زائران امام رضا(ع) است و برای هیچ کدام از ما تفاوتی ندارد که چمدان چه کسی را جابه‌جا می‌کنیم؛ ایرانی باشد یا خارجی. ما می‌دانیم آن‌ها میهمان امام رضا(ع) هستند و خوش‌رفتاری و خلق خوش تنها کاری است که از دستمان برمی‌آید. این رفتار باعث شده است حتی زائرانی که یک بار ما را دیده‌اند، شماره تلفن من و همکارانم را بگیرند و هر از چندگاهی زنگ بزنند و بخواهند سلامشان را به امام رضا(ع) برسانیم.

حتی رابطه برخی همکارانم با زائران فراتر از این است و دوستی‌های بین آدم‌های دو شهر آن‌قدر پایدار شده است که با هم رفت‌وآمد خانوادگی دارند.

تک‌تک کسانی که در ایستگاه راه‌آهن کار می‌کنند و نانشان را از رفت‌وآمد زائران به دست می‌آورند، خود را خادمان امام رضا(ع) می‌دانند و از این نظر خوشحال هستند. محمود ادامه می‌دهد: بین همکاران خیلی‌ها هستند که نذر می‌کنند در برخی مناسبت‌ها مانند ولادت و شهادت امام رضا(ع)، روز عاشورا و... بار زائران را رایگان جابه‌جا کنند. این کار را با عشق تمام انجام می‌دهند و می‌دانند یک جا و لحظه‌ای که گمانش را ندارند، آقا خودش جبران می‌کند.

با توجه به اینکه بیشتر زائران با تاکسی به محل اقامت موقت خود در مشهد می‌روند و با تاکسی نیز به راه‌آهن بازمی‌گردند، در مقصد اول و آخر، با رانندگان در ارتباط هستند. درواقع رانندگان تاکسی جزو اولین و آخرین مشهدی‌هایی هستند که زائرانی که با قطار به مشهد می‌آیند، در شهر امام مهربانی‌ها با آن‌ها برخورد می‌کنند؛ موضوعی که رانندگان به خوبی از آن اطلاع دارند و به همین دلیل می‌کوشند رفتاری مناسب با آن‌ها داشته باشند. در ایستگاه راه‌آهن حدود دویست دستگاه تاکسی و بیش از سی دستگاه تاکسی‌ون وظیفه جابه‌جایی زائران را برعهده دارند. سوار شدن مسافران غالبا به یک ارتباط دوستانه بین راننده و مسافر ختم می‌شود و این رابطه گاهی در مدتی که مسافر در مشهد حضور دارد، ادامه پیدا می‌کند.

جواد بسان‌تن راننده تاکسی‌ون در راه‌آهن است و بیش از بیست سال است که با جابه‌جا کردن مسافر روزی حلال به خانه می‌برد. او که تازه وارد چهارمین دهه از زندگی خود شده است، خاطرات بسیاری از زائران دارد و با به یاد آوردن بیشتر آن‌ها لبخند بر لبانش نقش می‌بندد. او تعریف می‌کند: حدود هفت سال ابتدای کارم، کارم جابه‌جا کردن مسافر با تاکسی در شهر بود، اما از حدود سیزده سال پیش، به راه‌آهن آمدم و با توجه به اینکه حدود ۹۵ درصد از مسافران ما زائران امام رضا(ع) هستند، می‌توان گفت که از همان موقع مشغول خدمت‌رسانی به زائران هستم و از این کار لذت می‌برم. زندگی و روزگار جوادآقا به حضور زائران گره خورده است؛ او از فرارسیدن دهه کرامت و تولد امام رضا(ع) خیلی خوشحال است و به خودش می‌بالد که ساکن مشهد است. تعریف می‌کند: در این ایام، ترافیک زیاد است و شهر شلوغ و رفت‌وآمد برای ما سخت؛ اما می‌دانم این زائران چقدر برای امام رضا(ع) عزیز هستند. هر وقت به این موضوع فکر می‌کنم، با اشتیاق بیشتری دنده عوض می‌کنم. تحمل آفتاب و سرما هم برایم راحت‌تر می‌شود.

کودکی که در ماشین جاماند!

با توجه به اینکه مسافران تاکسی های راه آهن، چمدان و وسایل متعدد به همراه دارند، جاماندن وسایل زائران در تاکسی، اتفاقی بدیهی و همیشگی است. تقریبا همه راننده ها در مدت کار خود، چندباری شاهد جاگذاشتن وسایل زائران مانند چمدان، تلفن همراه، فلاسک و... بوده اند. آن ها این وسایل را به ایستگاه تاکسی تحویل می دهند تا در صورت مراجعه زائران به آن ها تحویل دهند یا با توجه به دادن شماره تماسشان به مسافران، وسایل را خود به زائران می رسانند. در میان فهرست بلند بالای جامانده ها در تاکسی که به صاحبانشان برگردانده می شود، یک کودک سه ساله هم دیده می شود!

اواخر سال گذشته، زمانی که بسان تن به ایستگاه تاکسی راه آهن بازگشت، متوجه حضور این کودک در تاکسی شد. او درباره این اتفاق تعریف می کند: خوشبختانه بسیاری از مسافران شماره تلفن ما را می گیرند تا اگر برای جابه جایی در شهر به تاکسی نیاز داشتند، با ما تماس بگیرند. برای من هم بارها پیش آمده است که وسایل زائران به ویژه تلفن همراه، چمدان، فلاسک و لباس را به آن ها بازگردانده ام، اما چیزی که هیچ وقت فکرش را نمی کردم، این بود که یک کودک را به خانواده اش برگردانم! اواخر سال گذشته، یک خانواده همدانی را سوار تاکسی کردم. مقصد آن ها هتلی در خیابان امام رضا(ع) بود. در طول مسیر، آن ها شماره تماس من را گرفتند که اگر خواستند به جاهای دیدنی شهر بروند، به من زنگ بزنند. وقتی به هتل رسیدیم، مسافران که خیلی خسته بودند، سریع پیاده شدند و رفتند. من هم پس از پشت سرگذاشتن ترافیک سنگین معابر اطراف حرم مطهر به راه آهن بازگشتم. خودرو را در صف ون های تاکسی پارک کردم و از ماشین پیاده شدم تا به جمع همکارانم بپیوندم. چند دقیقه بعد، یکی از آن ها به سراغ من آمد و گفت «جواد! یک بچه عقب ماشینت خوابیده است.» به اتفاق رفتیم و دیدم خانواده همدانی دختربچه سه ساله شان را که در ماشینم خواب بوده است، جا گذاشته اند. دختربچه که از خواب بیدار شده بود، شروع به گریه کرد. ماجرا را زود اطلاع دادم و برایش مقداری خوراکی خریدم تا آرامش کنم.

این راننده تاکسی ادامه می دهد: در همین لحظه تلفنم زنگ خورد. با توجه به پیش شماره پشت خط حدس زدم خانواده دختر هستند که شماره من را گرفته اند. جواب که دادم، از آن طرف خط فقط صدای گریه می آمد. گفتم «دخترتان در ماشین خواب بوده و الان بیدار شده است.» گوشی را به دختر دادم که مادرش پشت خط بود، اما گریه دختربچه و خانمی که پشت خط بود، بیشتر شد. دوباره به سمت هتل حرکت کردم. وقتی رسیدم، دیدم خانواده همدانی در خیابان ایستاده اند و یکی از آن ها که بعدا فهمیدم مادر بچه است، به شدت گریه می کند. بعد از اینکه دختر را تحویل دادم، طول کشید تا مادر کودک آرام شود و گفت که بچه کوچک ترش در آغوشش خواب بوده است و دخترش را به خواهرش سپرده و بچه هم در ماشین خوابش برده بود و نمی دانستند چطور یادشان رفته بود او را بردارند.

بسان تن می گوید: هرچه اصرار کردند به من برای برگرداندن دخترشان پولی بدهند، قبول نکردم. حتی کرایه هم نگرفتم. بعد از سه روز دوباره این خانواده با من تماس گرفتند تا آن ها را به راه آهن برگردانم. آدم حال خوبی پیدا می کند وقتی یک نفر در حقش دعا می کند. دعای زائران بسیار شیرین است.

خودمان را شرمنده امام رضا(ع) نمی کنیم

بسیاری معتقدند رانندگان تاکسی بیش از میزان واقعی کرایه از زائران پول می گیرند؛ حرفی که شاید در برخی مسیرها درست باشد اما حداقل در ایستگاه تاکسی راه آهن صحت ندارد.

همه مسافران برای سوار شدن به تاکسی با گفتن مقصد، فیش سفر دریافت می کنند و مبلغ آن، براساس فاصله مقصد و ترافیک محاسبه می شود. برای نمونه در محدوده منطقه ثامن و بارگاه منور امام رضا(ع) که مقصد بیشتر زائران است، امسال کرایه تاکسی به ۴۵ هزار تومان رسید و هیچ کس نمی تواند بیشتر از این مقدار بگیرد.

حسن فاطمی، یکی از رانندگان قدیمی ایستگاه راه آهن، می گوید: بیش از ۲۵ سال است که راننده تاکسی هستم و هفده سال است که به راه آهن آمده ام و به زائران امام رضا(ع) خدمت می کنم. در این مدت، هرگز اتفاق نیفتاده که بین زائران تفاوتی قائل شوم یا بیش از مبلغ مشخص از آن ها کرایه طلب کنم. تفاوتی هم ندارد که مسافر من ایرانی باشد یا زائر دیگر کشورها. همواره تلاش می کنم با زائران رفتاری بسیار خوب داشته باشم تا وقتی به حرم می روم یا از مقابل حرم مطهر عبور می کنم و چشمم به گنبد می افتد، شرمنده امام هشتم(ع) نباشم.

او ادامه می دهد: به جرئت می گویم که دیگر همکاران من هم در راه آهن همین گونه هستند. البته هر روز در برخی ساعت های خاص شاهدیم که مسافربرهای شخصی، خودرو خود را در حاشیه خیابان پارک می کنند و به محوطه راه آهن می آیند. آن ها به بهانه کرایه کمتر، مسافران را جلب می کنند، اما به محض رسیدن به مقصد، چندبرابر کرایه می گیرند. برای نمونه، مسافران را با وعده ۲۰ هزار تومان تا حرم مطهر سوار می کنند، اما وقتی به مقصد می رسند، می گویند منظورشان از ۲۰ هزار تومان کرایه برای هر نفر ۲۰ هزار تومان بوده است! این افراد سودجو همه جا حضور دارند و متأسفانه همین رفتارها باعث می شود زحمت های همکاران من در اینجا به چشم نیاید. برخی از رانندگان تاکسی در عرصه راه آهن در بعضی مناسبت ها همچون ولادت با سعادت امام رضا(ع) صلواتی مسافرکشی می کنند و این روز را متفاوت می دانند. حسن آقا می گوید: امام رضا(ع) ولی نعمت ما مشهدی ها هستند و ما خادمان حضرت هستیم. خدا کند آقا از ما راضی باشند. ایستگاه مملو از افرادی است که می آیند و نرسیده، دست روی سینه می گذارند و سلام می دهند و آدم هایی که دست به سینه از شهر می روند. اینجا ایستگاه داستان ها و روایت هایی است که روزی هزار بار خلق می شود و ناگفته مانده است. اینجا ایستگاه رسیدن است....

منطقه ۴

رفاقت امام جماعت مسجد فاطمة الزهرا(س) با نوجوانان، به محله رونق داده است

نذر فرهنگی روحانی «خطیب»

عکس: رسول کارگر/شهرآرا

معصومه فرمانی کیا | به بچه‌های حاشیه‌شهر ایمان دارد. وقتی می‌بیند چند نفر از جوانان محله، قدرت مدیریت ۲۵۰ خانوار شهرک خطیب را دارند، خیالش جمع می‌شود که تلاش فرهنگی، حتی در بافت حاشیه شهر به نتیجه می‌رسد و ایمان دارد که میدان دادن به این نوجوان‌ها و جوان‌ها حاصلش درختی پر برگ و بار است که خیلی‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. حجت‌الاسلام والمسلمین علی پورحسین، چهره جوان محله است که کارش برگزاری نمازهای یومیه مسجد فاطمه‌الزهرا(س) و اجرای برنامه‌های فرهنگی مسجد است. خصایص خوبی دارد که به کمکش آمده است تا کارها را بهتر پیش ببرد. پر جنب‌وجوش و پویاست و برای خدمت به حاشیه شهر قرار ندارد. او عضو «کانون تمدنی بینات» زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی هم هست؛ این کانون قرار است طرحی به نام «محله امام‌رضا(ع)» را در شهر اجرا کند و پورحسین مطمئن است این طرح برای فردای مشهد کلی منفعت دارد.

از کودکی برای برنامه‌های فرهنگی نقشه می‌ریختم

پورحسین بزرگ‌شده حاشیه شهر است و دل‌بسته آن؛ به همین دلیل بعد از ازدواج هم ترجیح داده است به‌جای مهاجرت به دیگر محله‌ها در مجتمع علویه پنج‌تن سکونت کند. می‌گوید: در محله خواجه‌ربیع بزرگ شدم. پدرم کارگر بود. من رنج نبودِ خیلی چیزها در این محلات را حس کرده بودم. دوست داشتم فعال فرهنگی شوم. از همان بچگی، کلی طرح و نقشه داشتم و ساعت‌های فراغت و خلوتی که پیش می‌آمد، درباره طرح‌هایم فکر می‌کردم. ناگفته نماند که پدربزرگ مادری‌ام و چند نفر دیگر از اعضای خانواده، درس دینی خوانده بودند و این موضوع در مسیر انتخابی‌ام برای آینده بی‌تأثیر نبود. طلبگی را خیلی دوست داشتم و افتادم در این خط و بسیار هم خوشحالم.

به اجرای سبک زندگی اسلامی فکر می‌کنم

حاج‌آقای روایت ما از همان دوران مدرسه، روحیه جهادی داشته است و فعالیت‌های فرهنگی را شروع می‌کند. سال سوم راهنمایی رئیس شورای دانش‌آموزی منطقه تبادکان شد.

کوتاه و خلاصه می‌گوید: کار فرهنگی دغدغه‌ام بود و از همان دوران مدرسه فعالیت را شروع کردم. طرح‌ها و پیشنهادهای مختلفی می‌دادم. هرجا هم برنامه‌ای بود، حاضر می‌شدم. اگر امام جماعت نمی‌آمد، به جایش نماز را برپا می‌کردم. خدا را شکر بچه‌ها و هم‌کلاسی‌ها به من اعتماد داشتند. این دغدغه‌ها با من بزرگ و بزرگ‌تر شدند. بعدها به اجرای سبک زندگی اسلامی بین خانواده‌های محله‌ام فکر می‌کردم و هنوز هم این موضوع در اولویت برنامه‌های من است.

فرصت تبلیغ در اردوهای آموزشی

او وقتش را وقف نوجوانان و جوانان کرده است و برای آن‌ها خیلی وقت و انرژی می‌گذارد و اصلا یکی از دلایلی که حاج‌آقا بین بچه‌های خطیب این همه محبوبیت دارد، همین است که عبا و عمامه را برمی‌دارد و می‌رود به زمین خاکی، با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کنند و گپ می‌زنند و می‌خندند و از همه بهتر اینکه بچه‌ها او را به‌عنوان رفیق قبول دارند

و به او اعتماد می‌کنند و خصوصی‌ترین حرف‌هایشان را به پیش‌نماز مسجدشان می‌گویند.

می‌گوید: سن بلوغ در نوجوانان کاهش یافته و به مرز ۹ تا ۱۰ سال رسیده است؛ این موضوع باعث افزایش آسیب‌هایی در آن‌ها شده است. متأسفانه خانواده‌ها از این مشکلات بی‌خبرند یا به‌قدری گرفتار روزمرگی و امرار معاش هستند که به این آسیب‌ها توجهی نمی‌کنند؛ در همین راستا برنامه‌های مختلف تفریحی را پیش‌بینی کرده‌ایم تا بچه‌ها سن بلوغ را با مشکلات کمتر پشت سر بگذارند.

پورحسین، دورهمی‌های دوستانه و اردوهای دانش‌آموزی را فرصتی در این زمینه می‌داند و می‌افزاید: هر وقت فرصت کنم، این دست برنامه‌ها را در محله اجرا می‌کنم و اغلب استقبال خوبی هم از آن می‌شود.

او این‌طور حرفش را ادامه می‌دهد: هیچ‌وقت بچه‌ها را به خواندن نماز مجبور نمی‌کنم. وقتی اذان می‌شود و افراد پشت سرم به نماز می‌ایستند، همین روی بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها هم به صف نماز جماعت می‌پیوندند. بعد از نماز در فضایی دوستانه و صمیمانه، با زبان نوجوانان، به آن‌ها گوشزد می‌کنم که چه خطراتی تهدیدشان می‌کنند و باید مراقب باشند و هر وقت و هر جایی نیاز بود، خانواده را از مشکلاتشان آگاه کنند.

طرح‌هایی برای مشهد آینده

این روزها اجرای طرح «محله امام‌رضا(ع)» که در کانون تمدنی بینات پیگیری می‌شود و او یکی از اعضای آن است، تمام فکر و ذهنش را پر کرده است. می‌گوید: این طرح‌ها برای مشهد آینده است و موضوعات مختلف را شامل می‌شود؛ آموزش و پرورش، اقتصاد، امنیت، سلامت و.... با هر جمله‌ای که به زبانش می‌آید، این عبارت را هم بلافاصله بیان می‌کند: ایمان دارم در هر محله استعداد و پتانسیل زیادی هست که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. حرفش را با مثالی روشن می‌کند و ادامه می‌دهد: همین محله ما و مجاور آن را فرض کنید؛ خانواده‌ها مجبورند برای استفاده از مجموعه‌های آموزشی، ترافیک خیابان‌ها و شهر را تحمل کنند تا به مرکز شهر برسند. طرح «مدرسه در مسجد» یکی از موضوعات پیشنهادی در کانون است تا از ظرفیت‌های مجموعه‌های مذهبی برای برنامه‌های آموزشی استفاده شود.

سهیم‌شدن در چرخه فعالیت‌های خیرخواهانه

پورحسین خودش مسجدی است و می‌داند مجموعه‌های مذهبی چقدر می‌توانند در یک محله گره‌گشا باشند؛ البته از کنار فعالیت‌های فعلی‌شان نیز نمی‌گذرد. می‌گوید: نمی‌گویم که اکنون کاری انجام نمی‌دهند اما می‌توانند خیلی بیشتر از این‌ها در چرخه فعالیت‌های خیرخواهانه سهیم باشند. جوانان بسیاری به سن ازدواج رسیده‌اند اما از رسم و رسوم متعارف جامعه، هراس دارند. وظیفه ماست که برای این ترس و دلهره چاره‌ای پیدا کنیم. غیر از مساجد، ما این اطراف سالن خالی نیز زیاد داریم و فقط همت می‌خواهد که چند نفر، آن‌ها را برای برگزاری مراسم ازدواج آماده کنند. باور کنید اگر همین گام ساده برداشته شود و دو نفر به‌موقع بروند سر زندگی مشترک، در کاهش آمار ناهنجاری‌ها تأثیرگذار است

پورحسین از این می‌گوید که اسلام دین سلامت و شادی است و موضوع طرح «عطر» را به میان می‌آورد که یکی دیگر از برنامه‌های محله امام‌رضا(ع) است؛ برنامه‌ای که او خودش می‌خواهد آن را اجرا کند و می‌داند حتما بسیار طرفدار پیدا می‌کند. می‌گوید: خیلی از مساجد موقوفه دارند. اگر هم نداشته باشند، ما نذورات زیاد داریم که هم برای اموات است و هم برای دیگران. چه اشکالی دارد از محل همین نذورات هر چند وقت یک بار، عطر بین نمازگزاران توزیع شود؟

بعد حرف‌هایش را تکمیل می‌کند: این عطرهای گیاهی برای آرامش و اعصاب و خیال بسیار مؤثر هستند. گرچه طرح هنوز در حال تکمیل شدن برای اجرای بهتر است، حاج‌آقا می‌داند اجرای آن، حال خیلی از آدم‌های محله را خوب می‌کند و حال محله که خوب باشد، مشهد پیشرفت می‌کند.

اجرای سبک زندگی اسلامی

با اینکه فعالیت‌های مسجد شهرک خطیب بیشتر فرهنگی است، آن‌هایی را هم که درآمد چندانی ندارند و جیبشان خالی است، فراموش نکرده‌اند. کار خرید بسته‌های غذایی و تحویل آن‌ها به خانواده‌ها را حاج‌آقا با کمک نوجوان‌های محل انجام می‌دهد. البته هیچ‌وقت از سبک زندگی اسلامی غافل نمی‌ماند و برای آن هم قدم برمی‌دارد. می‌گوید: هر کس با روضه امام حسین(ع) اخت شود، نیم بیشتر راه را رفته است. دوست دارم بچه‌ها عاشق این مجالس بشوند. فکر کردم چه کاری می‌توانم انجام دهم؛ دیدم بچه‌ها توزیع بسته‌های معیشتی را با جان و دل انجام می‌دهند و گفتم حالا که کمک را دوست دارند، پول جمع کنیم و بساط روضه را در خانه نیازمندان برپا کنیم. نمی‌دانید بچه‌ها چه ذوق و شوقی برای کمک دارند. ما آدم خوب کم نداریم؛ باید طرح خوب داشته باشیم.

بوستان بسیج، این شب‌ها میزبان یک جشن مردمی است

«نسیم کرامت» در تلگرد

زهرا اسحاقی| دهه کرامت چند روزی است که شروع شده است. فعالان فرهنگی منطقه۴ برای استمرار حال خوب شهروندان، ویژه‌برنامه‌ای را در بوستان بسیج برگزار می کنند که بخش های متنوع و شادی دارد و اهالی در چند شبی که از اجرای آن می گذرد، بسیار استقبال کرده‌اند. در اجرای برنامه «نسیم کرامت» بوستان بسیج، چند گروه مشارکت داشته‌اند؛ شورای اجتماعی محلات و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه.

هم فال و هم تماشا

برکت این دهه مبارک انگار به آسمان هم رسیده است که هوای خرداد را بارانی کرده است. درختان بوستان زیر بارش باران سر خم کرده‌اند. مراسم در زمین بازی برگزار شده است و برای بازدیدکنندگان هم فال است و هم تماشا. از کنار زمین ماسه‌بازی کودکان عبور می کنیم و به چند غرفه سرپوشیده می رسیم. در این محوطه خانواده‌های بسیاری را می بینیم که معلوم است از هوای پارک لذت می برند و تماشای برنامه آن‌ها را به وجد آورده است. برخی هایشان از همان اولین شب برگزاری جشن، در بوستان حاضر شده‌اند. در این میان اشتیاق و ذوق بچه‌ها دیدنی است. منزل محمدرضا بایگان ده‌ساله اطراف همین بوستان است و همراه مادر و سه نفر از دوستانش به پارک آمده است. او که غرفه‌های بازی را یکی یکی پشت سر گذاشته است، در حالی که نفس نفس می زند و می خواهد فرصت را از دست ندهد و به بقیه غرفه‌ها هم سر بزند، می گوید: دیروز که از اجرای برنامه باخبر شدیم، مادرم بلافاصله ما را به اینجا آورد. بخش های بازی را بیشتر دوست دارم؛ الان از غرفه بازی ایرهاکی می آیم و می خواهم به قسمت فوتبال بروم.

صدیقه قرائی چهل و هشت ساله یکی دیگر از ساکنان همین محل است که همیشه به پارک می آید و مثل بسیاری دیگر، از اجرای چنین برنامه مفرحی به وجد آمده است. او می گوید: خوب است که مدیران شهری به فکر اجرای برنامه های شاد و مفرح این چنینی هستند تا خانواده‌ها بین این همه مشکلات ریز و درشتی که با آن درگیر هستند، کمی مجال استراحت پیدا کنند. حالا که به فصل تابستان و ایام فراغت نزدیک می شویم، بهتر است که این برنامه‌ها در بوستان های محلی استمرار داشته باشد.

برنامه طناب کشی زیر باران، یکی دیگر از بخش هایی است که اجرا می شود و طرفدار هم زیاد دارد و آن قدر جذاب و هیجان‌انگیز است که سالمندان را هم پای کار آورده است. «نسیم کرامت» هم مثل خیلی دیگر از برنامه‌ها، محل جمع شدن بانوان کارآفرین است. شهرداری چندوقتی است که حمایت از کسب و کارهای خرد و کوچک‌مقیاس خانگی را برعهده گرفته است و به همین دلیل هر جایی برنامه باشد، غرفه‌های فروش زیورآلات و سبزیجات و کیف و... را برای حمایت از بانوان برپا می کند.

برنامه‌های شاد برای اهالی

صادق خاتونی، معاون فرهنگی و اجتماعی منطقه۴، می گوید: ما تلاش می کنیم برنامه‌هایی شاد و مفرح برای اهالی در بوستان های مجاور محل زندگی شان برگزار کنیم. او ادامه می دهد: بعد از جشنواره غذا که در بوستان بهشت و یکی دو برنامه دیگر که در بوستان ارم برگزار شد، تصمیم گرفتیم مراسم دهه کرامت را در بوستان بسیج برگزار کنیم و خوشبختانه استقبال خیلی خوبی از آن شده است.

عیدگاه

منطقه ۳

امید محله

منطقه ۴

نوجوان محله مسلم هنر، ورزش و تحصیل را با هم دنبال می کند

کشتی‌گیر تواشیح‌خوان

زهرا اسحاقی| محمدرضا مرادی از نوجوانان فعال محله مسلم است که در کنار درس خواندن، کلی برنامه برای روزهای هفته دارد. او در کلاس نهم یکی از مدارس امام رضا(ع) درس می خواند. مدیران و بچه‌های مدرسه می دانند دوست هم کلاسی شان در کنار ورزش، فعالیت های قرآنی درخشان و صدای خوب و دلنشینی دارد. محمدرضا این روزها مشغول آماده شدن برای حضور در مسابقات کشتی استانی است. چند سال است به صورت حرفه‌ای این رشته را دنبال می کند و در کشتی آزاد چند رتبه و مقام هم دارد؛ از جمله مقام دوم استانی در مسابقات کشتی آزاد سال ۱۳۹۹.

دوست دارم مکانیک شوم

کلاس سوم دبستان به توصیه دایی هایش که ورزشکار و کشتی گیر هستند، در رشته ژیمناستیک ثبت‌نام می کند. محمدرضا می گوید: برای یک کشتی گیر لازم نیست که حتما در رشته ژیمناستیک تمرین کرده باشد، اما در صورت فعالیت در این رشته، آمادگی اش بیشتر می شود. بعد از پایان دوره ژیمناستیک سراغ کشتی رفتم و اولین باشگاهی که در آن ثبت‌نام کردم، در منطقه راه‌آهن و به مربیگری امیر توکلیان بود. اما به دلیل سفر مربی ام به هند تقریبا چندماهی است که به یکی از باشگاه های بولوار توس می روم و زیر نظر مرتضی علیزاده تمرین می کنم. تقریبا پنج شش ساعت در روز را تمرین می کنم. علاقه‌ای که پدر و مادر به حفظ قرآن داشته‌اند، محمدرضا را ترغیب کرده است که زیر نظر مربیانی چون سروش عظیمی و احسان سوختانلو، حفظ سوره‌ها را شروع کند. می گوید: قرآن که می خوانم، آرامش بیشتری دارم و می دانم خدا هم در ورزش و هم در درس کمکم می کند. او که صدای خوبی هم دارد. در ادامه از فعالیت هایش در گروه تواشیح «شمس الهدی» یاد می کند که چندوقتی است با آن‌ها همکاری دارد. تعریف می کند: همراهی با این بچه‌ها را خیلی دوست دارم. اغلب اجراها درباره امام رضا(ع) و ائمه(ع) است و من گاهی تک خوانی هم می کنم.

قهرمان استانی را شکست دادم

این روزها همه فکر و حواس محمدرضا معطوف به مسابقات استانی کشتی ویژه دانش آموزان است که به نتیجه آن بسیار امیدوار است. مسابقات چند سال قبل را به یاد می آورد که بین کل باشگاه های مشهد برگزار شد. می گوید: به دلیل خراب شدن ماشین دیر رسیدیم. خیلی استرس داشتم و اسم حریفم را که شنیدم، اضطرابم بیشتر شد؛ او قهرمان مسابقات استان بود. روحیه‌ام را از دست دادم. با صحبت های مربی روی تشک رفتم و حریفم توانست شش امتیاز از من بگیرد و من بازنده از زمین بیرون آمدم. در نوبت دوم، مربی کلی راهنمایی ام کرد و به زمین رفتم. به خاطر پدرم و مربیانم که برایم بسیار زحمت کشیده بودند، سعی کردم فراموش کنم که حریف چقدر حرفه‌ای است. این بار توانستم ۹ امتیاز بگیرم و برنده شوم. کشتی یک ورزش باستانی در کشورمان است که در آن، اخلاق حرف اول را می زند. محمدرضا می گوید: من به یاد پهلوانان بزرگ کشتی می گیرم و تلاش می کنم مثل تختی و دیگر بزرگان، کمک به نیازمندان را فراموش نکنم. در واقع کمک به آن‌ها آرامش دل مرا بیشتر می کند. محمدرضا از کار هم غافل نیست و برخلاف خیلی از هم سن و سال هایش که می خواهند پزشک و مهندس شوند، دوست دارد یک مکانیک خوب شود؛ به همین دلیل از کلاس چهارم، کنار دست دایی اش کار مکانیکی می کند و سعی دارد مهارتش روز به روز بیشتر شود.

محلات منطقه ما:

۳: راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سیس‌آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد، رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی و مهرگان

۴: طلاب، گلشور، ایثار ، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی ، التیمور، کوی مهدی

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۳و۴: معصومه فرمانی‌کیا
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه۴: ۳۲۷۰۰۹۲۸

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه۳: بوستان بهار، فرهنگسرای قرآن و عترت
دفترشهرآرا محله منطقه ۴: پنجتن ۴۵، فرهنگسرای انقلاب
پست الکترونیک: mahalle3@shahrara.ir
mahalle4@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

عکس: رسول کارگر/شهرآرا

کوچه سبز شنبه‌بازار

ندا معصوم| در سمت راست کوچه شهیدنبی‌زاده۸ که به بزرگراه شهید بابانظر متصل می‌شود بوستان بسیج قرار دارد و همین ویژگی، زندگی در این معبر را مفرح و شاد کرده است. اهالی از امتیازات ویژه آن مانند فضای ورزشی و تفریحی استفاده می‌کنند. شنبه‌بازار، از ظرفیت‌های این معبر، پای بسیاری از شهروندان دیگر محلات را به این محدوده باز کرده است و اول هفته شلوغ‌تری نسبت به بقیه روزها دارد.

کوچه شهیدنبی‌زاده۸ هم از زمین‌های خاکی و شنی بی‌نصیب نیست؛ زمین‌هایی که اغلب به‌جای پارکینگ از آن‌ها استفاده می‌شود.

نقاشی پرشاخ‌وبرگ روی دیوار بزرگ کنار بوستان سبز و مفرح، چشم هر رهگذری را می‌گیرد و زیبایی را در این کوچه تمام می‌کند. «یا امام رئوف» نقش حک‌شده بر این دیوار است.

جوان‌ها و نوجوان‌های محله، عاشق سالن ورزشی این معبر هستند که خیلی وقت‌ها محل برگزاری رقابت‌هایی چون فوتبال، فوتسال، والیبال و بستکبال است.

قرائت‌خانه بوستان بسیج، محل مراجعه دانش‌آموزانی است که شرایط مطالعه در خانه را ندارند و کتابخانه هم با بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب کنار همین مجموعه قرار دارد.